

مقدمه:



چگونگی تخصیص سرمایه‌های شرکت به پروژه‌های مختلف همواره از مهم‌ترین و دشوارترین تصمیم‌های مدیریتی بوده است. مدیریت ارشد با اتخاذ بهینه‌ترین تصمیم‌های سرمایه‌گذاری، منافع ذینفعان شرکت خود را حداکثر می‌نماید. این انتخاب از بین گزینه‌های مختلف

سرمایه‌گذاری با توجه به ریسک و بازده هر گزینه، موضوع اصلی ارزیابی اقتصادی و مالی پروژه‌ها به شمار می‌رود. علاوه بر ارزیابی اقتصادی و مالی، اجرای پروژه‌ها مستلزم انجام ارزیابی فنی می‌باشد. برای انجام ارزیابی فنی لازمست پروسه تولید تعریف شود و بر اساس آن روشها و تجهیزات مورد نیاز مشخص گردد. (مشخصات فنی، تعداد، نوع و ...)

مطالعات امکان سنجی:

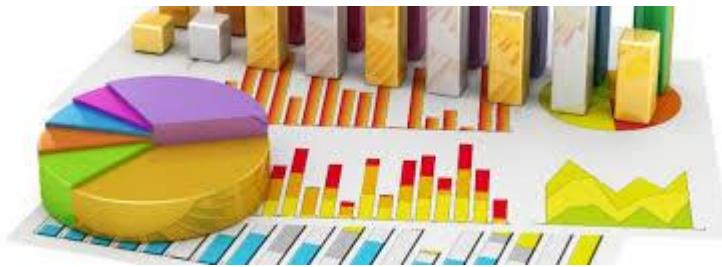
تعریف: مطالعه امکان سنجی، ارزیابی اولیه ای است که قبل از اینکه کار واقعی طرح آغاز شود، برای افزایش احتمال موفقیت طرح انجام می‌شود. این مطالعه تمامی راه‌حلهای ممکن برای مسأله را در بر می‌گیرد.

امکان سنجی فنی:

پس از تعیین طرح یا پروژه، لازمست پیش‌بینی‌های لازم جهت تامین نیازهای فنی طرح انجام شود. لذا در ابتدا باید پروسه تولید تعریف شود و بر اساس آن روشها و تجهیزات مورد نیاز مشخص گردد. (مشخصات فنی، تعداد، نوع و ...). این امر مستلزم مطالعه مشخصات دقیق محصولات و همچنین مشخصات تکنولوژی انتخابی برای تولید آنها می‌باشد. در پایان این بخش از مطالعات فهرستی از تعداد و نوع ماشین‌الات و تجهیزات که براساس ظرفیت تولید هر ماشین تعریف می‌شود، نیروی انسانی مورد نیاز و ساختار سازمانی

آن، مشخصات ساختمانها و تاسیسات که بر اساس تعداد، نوع و چیدمان ماشین آلات و تعداد نیروی انسانی تعیین می گردد، میزان و نوع مواد اولیه اصلی و فرعی مورد نیاز، نقشه های چیدمان ساختمانها و ماشین آلات و تجهیزات و سایر اطلاعات فنی مربوط به طرح بدست می آید.

امکان سنجی اقتصادی و مالی:



مطالعات ارزیابی پروژهها معمولاً به پیریزی مدل پیچیده مالی می انجامند. این مدل مالی تمام پیش فرضهای لازم و نقاط حساس

ارزیابی که ممکن است از دید مدیران پنهان بمانند را لحاظ می کند و به تحلیلگران اجازه می دهد که با تحلیل حساسیت هر متغیر، سودآوری پروژههای مختلف را در سناریوهای چندگانه بررسی کنند .

هدف:

هدف مطالعات بازار، ارائه وضعیت عرضه و تقاضای محصول و در نهایت حصول اطمینان از فروش محصولات طرح (در حالت ایده آل) یا حتی رسیدن به این نتیجه که ورود به بازار تعیین شده موفقیت چندانی به دنبال نخواهد داشت ، می باشد. بنابراین اولین مرحله ای که سرمایه گذار می تواند در خصوص ورود به پروژه تحت مطالعه تصمیم گیری کند، مرحله مطالعات بازار است. در حقیقت مطالعات بازار مهم ترین مرحله در امکان سنجی طرحها محسوب می شود. این اهمیت هم در فرآیند تدوین طرحها و هم در فرآیند ارزیابی طرحها قابل مشاهده است.

در مطالعات بازار، به دنبال تعیین سه پارامتر عمر طرح در فاز تولید، تیراژ تولید طرح و قیمت فروش محصول / خدمت مورد نظر در بازار هدف طرح هستیم که اولی (عمر طرح در فاز تولید) بر اساس سرعت تغییرات تکنولوژی، محصولات جانشین، محصولات رقیب، عمر تکنولوژی و... تعیین می شود، دومی (تیراژ تولید) براساس مینا قراردادن آمار مربوط به مباحث عرضه و تقاضا در سالهای اخیر و اعمال کلیه

پارامترهای تأثیرگذار بر تولید داخل، واردات، صادرات، تقاضای داخلی و... محاسبه خواهد شد و سومی، قیمت فروش نیز، توسط بازار هدف تعیین می شود، نه محاسبات قیمت تمام شده محصول/ خدمت. (البته در پروژه‌هایی که تولید بر اساس سفارش مشتری خاص انجام می‌شود یا فروش از طریق شرکت در مناقصه است و گاه یک محصول برای اولین بار ساخته می‌شود، دیگر بازار هدف نمی‌تواند مبنای تعیین قیمت فروش قرار گیرد و تولیدکننده در این حالت براساس برآورد هزینه‌ها و محاسبه قیمت تمام شده و در نظر گرفتن حداقل سود موردنظر، حداقل قیمت فروش را تعیین می‌نماید و در هنگام مذاکره با مشتری یا تنظیم پیشنهاد مناقصه، بر همین اساس عمل می‌کند.) بنابراین می‌توان گفت خروجی‌های مطالعات بازار، مستقیماً نتایج مطالعات امکان‌سنجی طرح را تحت تأثیر قرار می‌دهند و این موضوع اهمیت مبحث مطالعات بازار را روشن‌تر می‌سازد.

امکان‌سنجی و شروع فرآیند مطالعات، در همان مرحله تعریف پروژه باید به صورت کاملاً شفاف مشخص شود. اساساً تعریف دقیق محصول و بازار هدف، اجزای اصلی بدنه تعریف پروژه هستند. براساس این توضیحات، مشخص می‌شود که در چارچوب مطالعات امکان‌سنجی، به دنبال تعیین بازار هدف نخواهیم بود، بلکه قرار است به بررسی توجیه‌پذیری یا عدم توجیه‌پذیری اجرای یک پروژه مشخص در بازار هدفی معلوم بپردازیم.

آخرین مرحله در فرآیند مطالعات امکان‌سنجی، انجام مطالعات مالی است. هدف این بخش، محاسبه شاخص‌های مالی پروژه است که فرمول‌های محاسباتی مشخصی دارند. نکته‌ای که وجود دارد، یکسان بودن فرمت مطالعات مالی برای پروژه‌های مختلف با موضوعات و زمینه‌های متفاوت است.

هدف مطالعات مالی، محاسبه شاخص‌های مالی پروژه است و برای محاسبه شاخص‌های مالی، سه پارامتر عمر پروژه در فازهای ساخت (Construction Phase) و تولید (Production Phase)، هزینه‌ها (Cost) و درآمدهای (Revenue) پروژه در هر سال (نحوه توزیع هزینه‌ها و درآمدها در عمر پروژه) باید مشخص شوند.

مزایا:

۱. با انجام مطالعه بازار وضعیت عرضه و تقاضای محصول مشخص، و تصمیم گیری در مورد ورود به پروژه تسهیل می گردد.
۲. با انجام امکان سنجی فنی پروژه بررسی توجیه پذیری یا عدم توجیه پذیری اجرای یک پروژه در بازار هدف مشخص تعیین می گردد.
۳. با محاسبه میزان نرخ سود آوری پروژه ها، مقایسه و الویت بندی طرح های سرمایه ای، امکان پذیر می گردد.

نتیجه گیری:

با اتخاذ بهینه ترین تصمیم های سرمایه گذاری، منافع شرکت و ذینفعان به حداکثر می رسد. در این راستا مطالعه بازار با مشخص کردن بازار هدف از طریق بررسی عرضه و تقاضا، پروژه ها و طرح های مورد نیاز را تعیین می گرداند. با ارزیابی فنی و اقتصادی طرح ها و پروژه ها، انتخاب طرح و پروژه بر اساس اصول صحیحی انجام می گیرد. طرح ها و پروژه هایی که بر اساس این روش، انتخاب و اجرا می گردند، نرخ بازگشت سرمایه و سود آوری بالایی را تضمین می نمایند.